



۲۰۱۴/۱۰/۲۲



جليل غنى

آيا حكومت وحدت ملي راهي براي حصول هدف هست؟

مجله وزين سياست خارجي، بخش جنوب آسيا Foreign Policy: South Asia Channel

تحليلي در مورد افغانستان به قلم "بارنيت روين" (Barnett Rubin) استاد و سرپرست مركز همكاري هاي بين المللي در يونيورسيتي نيويارك نشر شده كه اوضاع افغانستان را در مرحله كنوني و تشكيل حكومت وحدت ملي مورد ارزيابي قرار داده است. "بارنيت روين" از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ مشاور ارشد نماينده خاص ايالات متحده امريكا براي افغانستان و پاكستان در وزارت خارجه بود. وي نويسنده كتاب "افغانستان از جنگ سرد تا جنگ با دهشت افگني" و چندين كتاب و مقالات متعدد ديگر در باره افغانستان است. ترجمه متن اين مقاله را براي خوانندگان پورتال وزين افغان جرمن آنلاين بدون كم و كاست و تصرف تقديم مي دارم:

اشرف غني احمدزي به حيث رئيس جمهور افغانستان در ۲۹ سپتمبر ۲۰۱۴ پس از سه ماه اختلاف روي نتيجه دور دوم انتخابات ۱۴ جون حلف وفاداري ياد كرد. موافقتنامه اي كه در ۲۱ سپتمبر بين احمدزي و عبد الله عبدالله امضاء شد تشكيل حكومت وحدت مل و ايجاد پست رياست اجرائيه را كه آقاي عبدالله انرا به عهده دارد، فراهم نمود. اين موافقتنامه همچنان حاوي مواد طويل المدتي است كه تشكيل عهده دايمي صدراعظمي را اجازه ميدهد و نقشي را كه براي آقاي عبدالله توسط يك فرمان ايجاد شده، نهادينه مي سازد.

اين موافقتنامه معاهده اي بين افغان ها و جامعه بين المللي را در مورد مشروعيت دولت افغانستان تجديد مي كند. اختلاف روي نتيجه انتخابات رياست جمهوري سال ۲۰۱۴ مذاكره مجدد آن پيمان را براي ايجاد مكانيزم شراكت در قدرت كه مخالفين به رهبري تاجك هاي شمال افغانستان در صدد بدست آوردن آن بودند، حتمي ساخت، كه عهده اي در مقام صدراعظمي در پهلوي رياست جمهوري بود. در حاليكه رئيس جمهور در اصل دفتر آمريت اجرائي را توسط يك فرمان ايجاد نمود، يك تغيير دايمي و حتمي در نظام حكومت داري، مستلزم تعديل قانون اساسي با تائيد لويه جرگه مي باشد. حاميان داکتر عبدالله در بدل اين عهده براي او، غني احمدزي را به حيث رئيس جمهور قبول كردند، چيزي كه آنها در اختلافي كه کشور را به انقسام در خطوط نژادي تهديد مي كرد، با آن مقابله مي كردند.

اين موافقتنامه همچنان به حيث چوكاتي براي يك راه حل سياسي با آن عده افغان هايي كه هنوز هم عليه حكومت مي جنگند، عمدتاً طالبان، نيز مفيد خواهد بود. چنين يك راه حل سياسي يگانه راه کاهش مصارف هنگفت امنيتي افغانستان به سطحی خواهد بود كه بتواند آنرا حفظ كند و شرايطي را براي ثبات و انكشاف ايجاد نمايد كه هم افغانستان و هم همسايگان آن شديداً به آن نياز دارند. قوايي كه براي مقابله با تهديد هاي موجود بكار گرفته مي شود مصارف آن كاملاً از طرف مساعدت هاي امنيتي خارجي پرداخته مي شود. (در حدود شش مليارد دالر سالانه كه معادل تقريباً سي في صد عايد ناخالص ملي و سه برابر تمام عوايد حكومت است) حتي يك کاهش كمتر در كمك هاي امنيتي خارجي، کشور را به يك بحران وسيع امنيتي و مالي سقوط خواهد داد.

مرحله اول: احياي يك ائتلاف بر مبنای قانون

ايجاد دفتر رياست اجرائيه كه بالقوه صدراعظم اجرائي است، تسهيلات اشتراك قدرت را فراهم مي سازد، ولي تنها در صورتيكه صلاحيت هاي رئيس جمهور و رئيس اجرائيه و يا صدراعظم به منظور جلوگیری از يك بن بست طرح شده باشد. اشتراك قدرت در يك حكومت مؤثر مي تواند در با ثبات ساختن کشور كمك كند. و اشتراك بدون صلاحيت در يك حكومت فلج، كمكي نخواهد كرد.

موضوع تاسيس عهده صدراعظم حد اقل به موافقتنامه بن در سال ۲۰۰۱ بر مي گردد. گروه هاي كه در آن زمان جزئي از جبهه متحد بودند كه عمدتاً بنام اتحاد شمال ياد مي شدند، از موجوديت يك صدراعظم كه جوابگوي پارلمان باشد جانبداري مي كردند و به اين باور بودند كه ضرورت يك اكثريت پارلماني منجر به تشكيل يك ائتلاف بين اقوام خواهد شد، نه اينكه صلاحيت بر رئيس جمهور پشتون متمرکز باشد. سايرين به شمول حامد كرزي رئيس

د پانو شميره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليكني د ليكنيزي بني پاڼوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي

جمهور سابق استدلال می کردند که با در نظر داشت ضعف مؤسسات افغانی، مخصوصاً احزاب سیاسی، چنان نظامی بن بست را ایجاد خواهد کرد و بی ثباتی خواهد آورد.

توافق نهائی بین آقای اشرف غنی و آقای عبدالله، ایجاد پُست اجرائی صدراعظم را که تحت نظر و صلاحیت رئیس جمهور در یک نظام مختلط کار می کند، در نظر دارد، که احتمالاً بهترین مصلحت در حال حاضر است البته تا زمانیکه تشکیلات آن دقیقانه تکمیل گردد. در چنین نظامی رئیس جمهور رئیس اجرائی است با صلاحیت های بر صدراعظم، کسی که او تعیین می کند و می تواند او را برکنار سازد بدون اینکه به پارلمان مراجعه کند. بنا برآن رئیس جمهور رئیس اجرائی حکومتی است که صدراعظم آنرا اداره می کند. در بسیاری اینگونه نظام ها، پارلمان می تواند صدراعظم را از طریق رای عدم اعتماد بر کنار سازد ولی رئیس جمهور پس از آن صلاحیت انحلال پارلمان و دایر نمودن انتخابات جدید پارلمانی را دارد. موافقتنامه فعلی در باره اینکه صدراعظم اجرائی معروض به تائید و یا برکناری از جانب پارلمان میباشد چیزی نمیگوید و یا اینکه رئیس اجرائی حکومت معروض به چنین تعاملی نیست.

مذاکره روی تعدیل قانون اساسی برای ایجاد یک نظام مختلط این خطر را دارد که تأسیسات و نهاد های ریاست جمهوری و صدراعظم را به نحوی ترکیب کند که جایی برای یک مکانیزم با صلاحیت برای حل اختلافات و مناقشات بین آنها باقی نگذارد. در افغانستان این اولین باری نیست که مذاکره روی مواد قانون اساسی برای تشکیل یک نظام مختلط صورت می گیرد. کمیسیون تسوید قانون اساسی افغانستان در سپتمبر ۲۰۰۳ نیز تشکیل یک نظام مختلط را پیشنهاد نمود. اکثریت اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی از یک نظام مختلط پشتیبانی کردند ولی کرزی اصرار نمود که قانون اساسی باید شامل رئیس جمهور با انتخابات مستقیم باشد. بعداً این کمیسیون تشکیل نظام پارلمانی را تقاضا کرد که تشکیلات آن به نحوی بود که بر مبنای این مسوده، که نزد نویسنده موجود است، صدراعظم و اعضای حکومت نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه «پارلمان» مشترکاً مسؤول هستند. چنان یک مسؤولیت دوگانه به نحو مؤثری دولتی را پیشنهاد می کرد که دو رئیس حکومت و دو منبع با صلاحیت بدون هیچ گونه مکانیزم مؤثری که اختلافات بین این دو را حل کند، به وجود می آمد. کابینه افغانستان در آن زمان، به شمول عبدالله و اشرف غنی، پُست صدارت را لغو کردند و مسوده ای را پیشنهاد نمودند که یک نظام خالص ریاست جمهوری را تشکیل می داد. ناکامی انتخابات ریاست جمهوری امسال که نتوانست نتیجه غیر قابل اختلاف را بار آورد، به دلایلی که در مقاله قبلی خود ارائه داشتیم، باز نمودن مجدد این موضوع را موجب گردید.

مرحله دوم: آشتی و مصالحه:

اکنون که آقای اشرف غنی رئیس جمهور است، او و آقای عبدالله باید چندین موضوع را در رابطه با آشتی و مصالحه بررسی مجدد نمایند. رئیس جمهور اشرف غنی در روز عید فطر گفت: «می خواهیم واضح به تمام مخالفین سیاسی بگوئیم که جنگ راه حل برای مشکل افغانستان نیست. یک صلح به رهبری افغان ها یگانه راه است و مخالفت سیاسی باید به یک عملیه سیاسی تبدیل شود».

آنها مجبورند دریابند که چگونه حرکت شان را برای رسیدن به طالبان با دخیل ساختن میزبانان سیاسی پاکستانی شان، انسجام بدهند. در حالیکه پاکستان بیش از این نمی خواهد طالبان حکومت افغانستان را اداره کنند، پاکستان می خواهد از "نفوذ" خود بر طالبان به حیث وسیله ای برای مسایل ذات البینی مثل حضور هند در افغانستان، امتناع همیشگی کابل از به رسمیت شناختن سرحد، و ظاهراً استفاده از قلمرو افغانستان به حیث پناه گاه بعضی طالبان پاکستانی، استفاده نماید.

حکومت جدید افغانستان همچنان باید تصمیم بگیرد که چگونه گفتگو با طالبان را در حالیکه به جنگ هم ادامه میدهد، پیگیری نماید. آقای اشرف غنی شاید دفتر سیاسی طالبان در دوهه را به رسمیت بشناسد که از آنها نمایندگی می کند، چیزی که کرزی مقاومت نمود. او همچنان باید تصمیم گیرد که چگونه هم رهبری طالبان مقیم پاکستان و هم قوماندان های آنها مستقر در افغانستان را دخیل بسازد شاید هم مساعی جمله ملل متحد را تقاضا نماید و ممانعت کرزی را بر ملاقات های دو مسیره بین نمایندگان طالبان و گروه های غیر رسمی افغان رفع کند.

همسایه های افغانستان غیر از پاکستان نیز باید دخیل ساخته شوند. چین با خشونت های جدائی طلبان و اسلامیت ها در منطقه سینکیانگ مواجه است و اکنون ثبات در افغانستان را به امنیت خود یک امر اساسی میداند و دیگر روابط با افغانستان را به حیث ادامه مناسباتش با پاکستان نمی بیند. چین به همگان، به شمول پاکستان، واضح ساخته در حالیکه از یک راه حل که طالبان را به نظام سیاسی داخل سازد، پشتیبانی میکند، با حکومتی از طالبان در افغانستان

مخالف می باشد. چین به حیث رئیس کنفرانس کشور های « قلب آسیا » در سال ۲۰۱۴، که مجمع منظوقی برای پشتیبانی از ثبات افغانستان است، مذاکرات منظوقی را برای آشتی در افغانستان آغاز کرده است که میتواند پشتیبانی مؤثری از مذاکرات بین افغانها باشد. در حالیکه چین هیچ گاهی علنی از پاکستان انتقاد نکرده و یا بر آن فشار نیآورده، این موضع گیری آن شاید موقف آنانی را در اسلام آباد تقویه کند که آینده کشور شان را در همکاری با همسایگان می بینند نه در مقابله. حکومت وحدت ملی تعقیب یک راه حل سیاسی را بدون همکاری بین ایالات متحده آمریکا و ایران که یکی از با نفوذ ترین کشور ها در ترکیب سیاسی افغانستان بشمار میرود، مشکل خواهد یافت. ایران می توانست مذاکرات برای تشکیل حکومت وحدت ملی را با نفوذ خود بر بعضی از اشخاص در کمپ عبدالله، اخلاص نماید، ولی در عوض از این مذاکرات پشتیبانی کرد و نتیجه را "یک پیروزی شکنند" خواند. ایران همچنان از نفوذ خود در داخل حکومت وحدت ملی برای مانع شدن عملیه آشتی و مصالحه که آنرا تهدید تلقی کرد کار بگیرد. اگر ایالات متحده آمریکا و ایران به یک توافق ذروی دست یابند، این دو کشور شاید به توانند همکاری را که در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در افغانستان داشتند از سر گیرند.

هیچ یکی از این سیاست ها، اگر طالبان بلند پروازی های فرا ملیتی داشته باشند و کمتر از تأسیس امارت اسلامی در افغانستان قبول نکنند، کار گر نخواهد بود، چیزی که آنها هیچ گاه در اهداف اعلام شده ای شان شامل نساختند. طالبان با وصف پناه دادن به جنگجویان خارجی در بدل کمک آنها به افغانستان، علناً اهداف خود را به افغانستان مختص ساخته اند و شواهدی در دست نیست که نشان دهد آنها از یک آجدای بین المللی القاعده، دولت اسلامی و یا سایر گروه ها، پشتیبانی می کنند. ملا محمد عمر رهبر طالبان در آخرین بیانیه خود به مناسبت عید فطر از جنگجویان خود خواست «از سرحدات خود حراست نمایند و روابط حسنه با کشور های همسایه بر مبنای احترام متقابل داشته باشید». نه اینکه سرحدات را از بین ببرید مثل دولت اسلامی در عراق و سوریه (آی. اس. آی. اس) لقب امیر المؤمنین ملا محمد عمر مبین رهبری یک جهاد است نه لزوماً به مفهوم ادعای خلافت و معمولاً از طرف رهبران اسلامی طی قرن ها به همین مفهوم بکار برده شده است.

طالبان هیچ گاهی نگفته اند که هدف آنها تأسیس مجدد امارت است، گر چه آن را رد هم نکرده اند. ملا محمد عمر در پیام روز عید گفت: «جنگ در افغانستان زمانی پایان می یابد که تمام متجاوزین خارجی از افغانستان خارج شوند و یک رژیم مقدس اسلامی و مستقل در افغانستان مسلط شود و افغانستان و افغان ها یک حکومت مستقل اسلامی طبق آرزو های مذهبی و ملی شان تأسیس نمایند» او به آسانی گفته می توانست که جنگ زمانی ختم خواهد شد که عساکر افغانستان را ترک گویند و امارت اسلامی بر افغانستان حاکم باشد، ولی او نگفت. زندگی به موجب قانون اساسی افغانستان یکی از شرایط مورد توافق بین المللی است که طالبان باید آنرا در هر گونه راه حل بپذیرند. یک بیانیه مأمورین طالبان از دفتر سیاسی این گروه در ۲۰ و ۲۱ دسمبر ۲۰۱۲ بر دو موضوع با سایر افغان ها در فرانسه که از یک حکومت مبتنی بر قانون اساسی پشتیبانی می کند، اشاره دارد:

حقوق فردی، مدنی و سیاسی تمام اهالی افغانستان باید توسط قانون اساسی تنظیم گردد؛ حقوق تمام برادران از هر نژاد بدون تبعیض، روابط بین حکومت و مردم را توضیح می دارد، بر توازن صلاحیت های سه گانه حکومت روشنی خواهد انداخت (سه قوه حکومت)، در مورد نوعیت حکومت، اداره و صلاحیت ها فیصله خواهد کرد، خلاصه، پذیرفتن ملت افغانستان و جهان را در رابطه با پالیسی های داخلی و خارجی افغانستان بدست خواهد آورد. . . بار همنمود های قانون اساسی، راه برای موازنه قدرت سیاسی هموار خواهد شد و تمام جناح های افغان در حکومت آینده سهیم خواهند بود.

ما صریحاً متذکر می شویم که مواد قانون اساسی باید توسط دانشمندان افغان در یک فضای آزاد نگاشته شود و بعد برای تأیید به ملت ارائه گردد. قانون اساسی موجوده افغانستان مشروعیت ندارد زیرا تحت فشار و سایه طیاره های بی-۵۲ نوشته شده است.

طالبان کدام بیانیه ای صادر نکردند که عدم موافقت آنها را با قانون اساسی مشخص سازد. آنها "دیموکراسی" را به حیث تحمیل غربی ها محکوم کرده اند. اگر آنها این موقف شانرا حفظ کنند، موافقتنامه جامع ممکن نخواهد بود. ولی یک اعتراض مداوم در برابر جمله اختتامیه است که این قانون اساسی در "سایه طیاره های بی-۵۲" نگاشته شده است. یک زندانی سابقه گوانتانامو و یا کسیکه در فهرست اهداف غرب قرار داشته مشکل خواهد یافت که مشروعیت چنین سندی را در حالی بپذیرد که آنها یا زندانی بودند و یا هدف قرار داشتند. پذیرفتن آن به مفهوم تسلیم شدن خواهد بود نه آشتی نمودن.

عملیه تعدیل قانون اساسی که حکومت وحدت ملی لازمی دانسته راه بیرون رفت را هموار میسازد. لویه جرگه که این تعدیلات را تأیید نماید زمینه دخالت طالبان و سایرین را بر متن تجدید نظر شده به حیث چارچوب کلی فراهم می نماید. اشتراک طالبان در انتخابات پارلمان و شوری های ولایتی که برای سال ۲۰۱۵ در نظر گرفته شده وسایلی را برای آنها فراهم خواهد ساخت که کرسی های را در لویه جرگه تصاحب کنند. آنها می توانند یا به حیث تنظیم کنندگان و یا (به احتمال بیشتر) به حیث افراد منفرد، اشتراک داشته باشند.

دخیل ساختن شورشیان به حیث یکی از چندین گروه، به شمول زنان و تعدادی از تمام گروه های قومی در عملیه سیاسی برای ترتیب و تنظیم آشتی بسیار مناسبتر است نسبت به توافقی که محض بین طالبان و حکومت باشد. شامل ساختن طالبان در چنان عملیه ای که در آن آنها با مجموع طیف سیاسی امروزی افغانستان مقابل خواهند شد، تضمین بهتری از حفظ دست آورد های افغانستان فراهم خواهد کرد. اگر طالبان درین عملیه اشتراک کنند، آنها با نیرو های محافظه کار قدرتمند در داخل ائتلاف قانونی متحد خواهند گردید تا بعضی از حقوق افغانها مخصوصاً زن ها را که به سختی بدست آورده اند پس بگیرند. حمایت مداوم و پایدار بین المللی هنوز هم لازم خواهد بود. ولی آن دست آورد ها تنها زمانی محفوظ و مصون خواهد ماند که افغانها بتوانند از این دست آورد ها در نهاد های شان دفاع کنند.

پایان

د پانیو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ